

از کمکهای اقتصادی تا حمایت نظامی

طوری که درین کتاب توضیح شد، در جریان دو سال اول هدف کمکهای مارشال تسریع روند اعمار مجدد در کشورهای اروپای غربی بود. در آغاز ممنوع قرارداده شده بود که کمکهای امریکا برای توريد تسلیحات و یا سایر کالاهای نظامی مورد استفاده قرار بگیرد. امریکایی ها بصورت جدی نظارت مینمودند تا امتعه کمکی بهیچ صورت بنفع نیروهای مسلح بکاربرده نشود. در هالند این قرار دقیقاً رعایت میشد. حکومت هالند نمیخواست که از ناحیه استعمال کمکهای مارشال بنفع قطعات نظامی خود در اندونیزی مورد سوء ظن قرار بگیرد. با آنها، گاهگاهی در کنترل تخطی هایی ظاهر میشد. طور مثال، در می ۱۹۴۸ افشا شد که بقیمت یک مبلغ معتناهی برای اردو طیر موثر تهیه شده بود. همچنان، میشن ECA باری کشف نمود که جنرال کرولس رئیس ستاد ارتش از یک موثری استفاده میکند که با دالر مارشال خریداری شده بود. کرولس تنبیه شد و قیمت خرید موثر هم باید مسترد میگردد. اما تعجب واقعه در آنست که سه سال بعدتر حتی یک نظامی هم در موثری گردش نمیکرد که بدون کمک امریکا تمویل شده باشد. ۱. تحت تأثیر جنگ کوریا مرکز ثقل کمکهای امریکا بیسترویشتر به عرصه نظامی انتقال می یافت.

جنگ کوریا وقتی مشتعل گردید که در ۲۵ جون ۱۹۵۰ کوریای شمالی برهمنسایه جنوبی خود حمله نمود. کوریا از آغاز قرن بیستم توسط جاپان اشغال شده بود. بعد از غلبه متحدین بر جاپان، کوریا به زونهای اشغالی امریکا و روسیه تقسیم گردید. این زونها بوسیله عرض البلد سی و هشتم از همدیگر جدا میشدند. از آنجائیکه بعد از جنگ میان متحدین همکاری متمر وجود نداشت، هر دو زون به دولت های جداگانه مبدل گردیدند. دولت جنوبی از طرف ایالات متحده و دولت شمالی از طرف اتحاد شوروی حمایت میشدند.

در غرب، حمله بر کوریای جنوبی توسعه طلبی ستالینی تلقی گردید، که اروپای غربی نمیتوانست قربانی بعدی آن باشد. ترومن یک جواب قوی نظامی را ضروری میشمرد. او درینجا بر مارشال که سن وی قریب به هفتاد میرسید محاسبه مینمود. مارشال بعد از یک عملیات جگر، بالای وظیفه خود به وزارت خارجه برنگشته بود و خیلی آرزو داشت به تقاعد برود. اما مارشال از اراده ترومن اطاعت نمود. او وزیر دفاع مقرر شد و رهبری تقویه نیرو های جنگی امریکا را برای مداخله در کوریا بعهده گرفت. با توجه به آنکه ترومن از آمادگی خود به بکار بستن همه امکانات برای نبرد سخن گفته بود. چانس توسعه برخورد در کوریا خیلی محتمل شمرده میشد. در اروپای غربی مردم خود را تهدید شده و بی دفاع احساس میکردند. در برابر ۱۷۵

فرقه ای که ستالین در اروپا در اختیار داشت ، صرف دوازده فرقه در کشورهای موجود بود که در اپریل ۱۹۴۹ سازمان پیمان اطلانتیک شمالی (NATO) را ایجاد نموده بودند . ۲ ناتو باید تقویه میگردد . از آنجائیکه سنای امریکا در جنوری ۱۹۵۱ اجازه اعزام حد اعظم چهارفرقه را به اروپای غربی تصویب نموده بود ، کشورهای اروپایی باید قسمت بزرگ قطعات مورد ضرورت را تدارک مینمودند . درینجا آنها میتوانستند بر حمایت مالی امریکا حساب کنند . قبل از درگیری جنگ کوریا ، بذل کمکهای نظامی به کشورهای اروپای غربی در چوکات ناتو از طریق Mutual Defence Assistance Program (MDAP) مدنظر گرفته شده بود . در آغاز امریکاییها افاده میدادند که مخلوط شدن کمکهای MDPA و کمکهای مارشال را مطلوب نمیشمارند . اما جنگ کوریا نه تنها منجر به افزایش مصارف از طریق پروگرام نظامی شد ، بلکه کمکهای مارشال را نیز بیشتر و بیشتر تحت عنوان تقویه نیروهای مسلح در آورد .

در هالند مردم خیلی بزودی پس از اشتعال جنگ در کوریا عواقب آنرا بر کمکهای مارشال احساس کردند . در اگست ۱۹۵۰ هیرشفلد بزودی منتظر « تصامیم قاطعی بود که تمام ساختار EHP رامتأثر میساخت » . در اکتوبر برای او « پیوسته روشنتر میشد که امریکایی ها منافع نظامی را بیشتر و بیشتر مرجحتر از منافع اقتصادی قرار میدهند » . ۳ با پیشرفت تغییرات در سازماندهی امریکایی ها برای بذل کمک ، هیرشفلد نیز در نوامبر ۱۹۵۰ بحیث کمیسار حکومت برای پروگرام کمکهای نظامی تعیین گردید .

در اپریل ۱۹۵۱ ECA در واشنگتن اعلان نمود که در سال مالی ۱۹۵۱-۱۹۵۲ امریکا ، سطح آمادگی های نظامی و سطح تولیدات نظامی کشورها برای تقسیم کمکهای مارشال معیار قرار داده میشود . گولدنهاییکه در حساب مخصوص بانک هالند بحیث پول ارزش متقابل در برابر کمکهای حاصله ذخیره میشد ، سراز سال ۱۹۵۱ میتوانست عمدتاً در پروژه های نظامی بمصرف برسد . در هالند مجموعاً ششصد میلیون گولدن از پولهای ارزش متقابل در نیروهای مسلح و از جمله برای خریداری عراده جات نظامی و ساختن سامان-آلات ماینروبی بمصرف رسید . با ورود سال ۱۹۵۲ ادغام کلی کمکهای اقتصادی و نظامی بوقوع پیوست . ECA به

موجودیت خود پایان داد . برای بذل کمکها سازمان جدید (Mutual Security Agency (MSA ایجاد گردید که تحت رهبری ا. هریمن قرار داشت . کمکهای مارشال که برای نیمه اول سال ۱۹۵۲ قبلاً تخصیص یافته بود ، از طریق MSA تحقق یافت . اما کمکهای اقتصادی ای که بعد از آن بعمل میآمد با اهداف نظامی توأم میگردد . برای کمکها شرایط جدید وضع گردیده بود . چنانچه ممنوع قرار داده شده بود که اموال کمکی حتی بعد از پروسس شدن ، اگر جوابگوی منافع ایالات

متحدہ نمیبود، بکشورهای بلاک شرق صادر شود . بطورمثال ، مواد خام ستراتیژیک تحت هیچنوع شرایط بکشورهای مورد نظر تحویل داده شده نمیتوانست .

با ختم سال مالی ۱۹۵۱-۱۹۵۲ در امریکا ، کمکهای مارشال نیز رسماً خاتمه یافت .

در ۳۰ جون ۱۹۵۲ هیرشفلد و هونتر مسئولین هالندی وامریکایی کمکهای مارشال برای هالند بمناسبت پایان کمکها بیانیه های رادیویی ایراد نمودند . هونتر در بیانیه خود کمکهای مارشال را « بهای آزادی » نامید ، بهایی که ایالات متحده آنرا بکمال میل پرداخت . ۴

کمک های مارشال ومسئله اندونیزی

در دسمبر ۱۹۴۸ بعد از « عملیات دوم پولیسی » حکومت امریکا کمکهای مارشال برای اندونیزی را ملتوی ساخت. با این التوا حکومت امریکا خواست با ذهنیت مردم امریکا هماهنگی نشان بدهد. اذهان عامه در امریکا جهت ضد استعماری داشت که بنفع سوکارنو ونزدیکان او تمام میشد. سوکارنو میتوانست برحمایت فزاینده حکومت امریکا نیز حساب کند، زیرا او در اندونیزی به سرکوب کمونیزم میپرداخت . اما متوقف ساختن کمک اولتر ازهمه یک پروتست سمبولیک بود، زیرا بخش اعظم کمکی که در آن سال برای اندونیزی اختصاص داشت قبلاً به هالند تسلیم داده شده بود. خیلی ناراحت کننده برای هالند این بودکه وزارت خارجه امریکا هالند را در صورت قبول نکردن پیشنهاد امریکا مبنی بر برسمیت شاختن سریع استقلال اندونیزی ، با قطع تمام کمکهای مارشال تهدید میکرد. مزید برآن ، امریکاییها تهدید میکردندکه از تسلیمدهی کمک های نظامی آینده که در چوکات انکشاف ناتو به هالند قایل گردیده بودند نیز خود داری خواهند نمود. سوال مطرح میشد که آیا حکومت امریکا واقعاً این تهدیدات را عملی خواهد کرد، در حالیکه اهمیت یک هم پیمان ثابت او در اروپای غربی نیز برایش گرانی داشت . اما در لاهه این درک موجود بود که حکومت امریکا تحت فشار کانگرس و مردم قرار دارد.

با آنکه موقف اقتصادی ونظامی هالند در اندونیزی در نتیجه عملیات نظامی تقویت یافته بود ، هالند قادر نبوده این موفقیت را استحکام ببخشد. هالند در جامعه بین المللی کاملاً تجرید گردیده بود. تنها بلجیم از موقف هالند حمایت مینمود. حکومت در جستجوی راه بیرون رفت بود. او تصمیم گرفت تا هرچه زودتر با جمهوری (اندونیزی) در باره مصئونیت منافع هالند در اندونیزی به توافق برسد وکمکهای نظامی واقتصادی امریکا را در معرض خطر قرار ندهد. بدینترتیب کمکهای مارشال از طرف امریکاییها بحیث وسیله فشارمورد استفاده قرار گرفت تا هالند را به استرداد استقلال اندونیزی تحریک کند. بعقیده هالندیها این کار قبل از وقت بود. تعجب انگیز اینکه ، کمکهای مارشال به هالند از لحاظ اقتصادی مجال داد تالشگری را در

اندونیزی سرحال نگاه‌بدارد که سبب تأخیر در روند محو استعمار گردید.

اهمیت روانی کمکهای مارشال

دیده شد که هالند بدون اندونیزی نیز زنده ماند. مصیبتی بوقوع نپیوست. صنعتی شدن و صادرات به رشد بی سابقه اقتصادی منجر شد. هالند میدانست که شکوفانی خود را از جمله به برکت کمکهای مارشال بازیافته است، کمک واقعی بیشتر از آن بود که با ارقام حقیقی مبالغ کمک افاده میشد. فان دن برینک در مارچ ۱۹۴۹ اظهار نمود: « بنظر من آنهایی که تلاش کنند اهمیت کمکهای مارشال را استثنائاً با خاطر نشان ساختن ارقام افاده کنند، دچار اشتباه میشوند. اهمیت کمکها بیش از کمیت خالص مادی آنها است. ارزش روانی و اخلاقی کمکها با ارقام بیان شده نمیتواند.»^۵ در یک مرحله بحرانی اعمار مجدد، ایالات متحده دست کمک را بطرف اروپای غربی دراز نمود. کمکهای اقتصادی وسیع المقیاس اعتماد مردمان اروپای غربی را به آینده احیا نمود. مثال امریکا یک دورنمای امید را در برابر اروپای غربی که با فقر و ویرانی دچار بود، قرار میداد. بدین ارتباط، قصه سفر یک تیم ارتقای مولدیت کار از عرصه صنایع کالادوزی در چوکات کمکهای «فکری» مارشال به ایالات متحده احساس برانگیز است. « امریکاییها بما نشان دادند که شکوفانی چه معنی دارد و آنها چطور به آن دست می یابند. ما باید بدانیم که برای دست یافتن به آرمان شکوفانی هیچ چیز تشویق کننده تر از دیدن شکوفانی نیست. (آیا این علت موجودیت یک پرده آهنین نیست ؟) بناءً بگذار هرچه بیشتر انسانها به امریکا سفر کنند.»^۶

ژست شریفانه

با کمکهای مارشال انتیگراسیون اروپای غربی تشویق گردید و کشورهای این منطقه بیشتر از پیش متمایل به ایالات متحده شدند. درین استقامت کمکهای مارشال به دوام تقسیم سیاسی اروپا مساعدت کرد. این مدعا مطمئناً برای یک ونیم سال اخیر پروگرام کمکها صدق میکند، زمانیکه کمکهای مارشال بیش از پیش به هدف تقویه ناتو معطوف میگردد. برای دولتهای اروپای شرقی انگور ترش بود. این تنها کمکهای مارشال نبود که در نتیجه نفوذ ستالین از دست آنها رفت. در همین مرحله که ایالات متحده به کشور های اروپای غربی بیش از چهارده میلیارد دالر کمک نمود، اتحادشوروی تقریباً به معادل همین مبلغ از دولتهای اعمار خود به غارت برد.^۷ کمکهای مارشال، بخصوص در سالهای هفتاد اغلباً « امپریالیزم دالر » خوانده میشد. منطق کمکهای مارشال طوری ارائه میشد که گویا ژست یک سخاوتمندی کاذب بمقصد پوشانیدن

منافع خود امریکا است . کمکهای مارشال اولتر از همه یک وسیله سیاسی محسوب میشد که ذریعه آن از اروپای غربی در برابر کمونیزم دفاع بعمل می آمد. مزید برآن ، امریکاییها در برابر کمک مقاصد مهم اقتصادی را مد نظر داشتند. این خطر متصور نبود که بحران اقتصادی در اروپا

به امریکا سرایت خواهد کرد. اما علی الرغم تمام اهداف شخصی ، کمکهای مارشال بدون یک مقدار سخاوتمندی هرگز احتمال نداشت. پسانها تثبیت شد که سخاوتمندی امریکا مبین هوشیاری بزرگ سیاسی آن بود.

نواختن ناقوس به علامه سپاس

یولیانا ملکه هلند در زمان بازدید رسمی خود از ایالات متحده در اپریل ۱۹۵۲ بخاطر کمکهای مارشال از امریکائیان سپاسگذاری نمود. ملکه از نام مردم هلند به علامه سپاسگذاری یک مجموعه ای از ناقوسهای مخصوص (carillon) را به امریکاییها اهداء نمود . بدین مناسبت یک ناقوس کوچک بقسم سمبول تسلیم داده شد. اصل مجموعه ناقوسها بعدتر به امریکا ارسال شد. وخیلی بعدتر وقتی دیده شد که برای مجموعه ناقوسها هنوز جای مناسبی تدارک نشده است ، از هلند یک برج مخصوص نیز به ایالات متحده ارسال گردید. برج در قبرستان یادگاری آرلینگتون در حومه واشنگتن دی سی ، جائیکه از ۱۹۵۹ بدینطرف جورج مارشال نیز در آن دفن است ، نصب شد. کسی که امروز به واشنگتن سفرکند واز میدان هوایی جان فوستر دالس به استقامت شهر در حرکت باشد، از مقابل آرلینگتون میگذرد و میتواند هنوز هم آهنگ سپاس زنگهارا بشنود.